

حیات سیاسی شیعیان در دستگاه خلافت عباسیان

۲۷ تیر ۱۳۹۴ ساعت ۰:۲۰

این نوشتار که با عنوان دولتمردان شیعه در دستگاه خلافت عباسی، به کوشش پژوهشگر ارجمند آقای مصطفی صادقی لباس وجود یافته، گامی است در جهت شناسایی نقش سیاسی شیعه در دستگاه خلافت عباسی در دو عرصه پیش گفته.

مقدمه

شیعه در تاریخ پرفراز و نشیب اسلام، با اینکه به عنوان اقلیتی ناپذیرای مشروعیت اکثریت، همیشه بر حاشیه سیاسی و اجتماعی رانده می‌شد، هیچ‌گاه از حضور و نقش‌آفرینی بازنماند و حتی گاه توانست میدان‌دار سیاست و قدرت شده و خلافت حاکم را به پیروی و گوش به فرمانی خویش فرا بخواند و در پرتو این اقتدار به ایجاد تمدن و فرهنگی شیعی دست بزند. تاریخ سیاسی شیعه از همین منظر، شایسته مطالعه جدی است.

تاریخ اسلام بی‌هیچ تردیدی مرهون و مدیون فعالیت سیاسی شیعه است و بدون توجه درخور به نقش این فرقه مذهبی، فهم درست تاریخ سیاسی اسلام ناممکن می‌ماند. شیعه در دو دوره تاریخی خویش به فعالیت پرداخته است؛ دوره حضور ائمه (علیهم السلام) که با رهبری و راهنمایی آن بزرگواران برای حضور فعال در عرصه سیاست عمدتاً نگاه سلبی و منفی داشت و سپس در دوره غیبت که در مقایسه با دوره پیش بسیار طولانی‌تر بوده و تا کنون نیز ادامه دارد، این عالمان شایسته و دانشمندان دین‌شناس بودند که طلایه‌داری حرکت شیعه را در دست داشتند و در این دوره بر حکم اقتضائات زمانه و امکانات و فرصت‌های پیش‌آمده، آشکارا در عرصه‌هایی حضور یافتند.

معرفی کتاب

این نوشتار که با عنوان دولتمردان شیعه در دستگاه خلافت عباسی، به کوشش پژوهشگر ارجمند آقای مصطفی صادقی لباس وجود یافته، گامی است در جهت شناسایی نقش سیاسی شیعه در دستگاه خلافت عباسی در دو عرصه پیش گفته. با ذکر این نکته که غرض اصلی در این نوشتار، اولاً: یادکرد شخصیت‌ها و دوره‌های فعالیت آنان و نیز بررسی هویت آنان است، بی‌آنکه به جزئیات نقش آنان و تعاملشان با زمانه پرداخته شود و ثانیاً: محدود به دوره‌ای که عباسیان بر اریکه قدرت بوده‌اند نه پیش و پس از آنان، یعنی از نیمه اول قرن دوم تا آغاز نیمه دوم قرن هفتم هجری.

حال می‌پردازیم به معرفی اثر:

نخستین فصل این اثر عبارت است از مقدمات و کلیات که خود شامل مطالب زیر است:

پیشینه بحث، نگاهی به منابع، معنای شیعه و تشیع، نشانه‌های تشیع و در آخر همکاری با سلطان در تاریخ شیعه.

در بخش نگاهی به منابع به معرفی و بررسی دو اثر متأخر که اهمیت زیادی در تاریخ تشیع داشته و بیشتر از دیگران درباره رجال سیاسی و دولتی شیعه سخن گفته‌اند، پرداخته می‌شود که آن دو اثر عبارتند از:

مجالس المؤمنین و اعیان الشیعه.

مجالس المؤمنین: نوشته قاضی نورالله شوشتری است. کتاب ایشان شامل دوازده مجلس است که به جز مجلس اول، شرح حال شیعیان امامی و غیر امامی از دوران امیر المؤمنین (ع) تا زمان خودش، یعنی قرن یازدهم در آن مجالس آمده است.

کتاب قاضی نور الله دارای دو خطا است:

۱/ برداشت‌های نادرست وی و اظهار نظرهای او درباره تشیع افراد است که شاید این برداشت ناشی از تصور وی در مورد معنا و مفهوم شیعه است، چنان‌که در شرح سفاح، منصور، مهدی، هارون، مأمون، ابوسلمه خلال و ابومسلم خراسانی آن‌ها را شیعه شمرده است: «منصور مذکور در مقامی که او را خوف زوال ملک نبود اظهار تشیع قولاً و فعلاً می‌نمود».

۲/ خطای دیگر سید آن است که بسیاری از کسانی را که شیعه دانسته فقط «تولی» داشته‌اند و در جنبه «تبری»، یعنی ردّ خلافت کسانی که پیامبر (ص) آنان را منصوب نکرده است، همانند دیگر اهل سنت عمل کرده‌اند. بسیاری از زیدیه و دیگر فرقه‌هایی را که وی شیعه دانسته است، این گونه‌اند.

در مجموع، بیان مطالب ضعیف از منابعی غیر معتبر و متأخر، وجهه علمی کتاب مجالس المؤمنین را خدشه‌دار کرده است. بنابراین در معرفی و شرح حال منسوبان به تشیع نمی‌توان به این کتاب اعتماد کرد، زیرا علاوه بر ضعف منابع آن، برداشت‌های نویسنده در نسبت دادن تشیع به برخی افراد، درست نیست.

اعیان الشیعه: یکی از مفصل‌ترین کتبی است که علامه سید محسن امین (م ۱۳۷۱ق) از بزرگان علمای جبل عامل نوشته است. این کتاب اکنون در ده جلد به قطع رحلی منتشر شده و پس از او فرزندش مستدرکاتی بر آن نوشته است.

امین در آغاز کتاب اعیان الشیعه چندین مقدمه ذکر کرده و در مقدمه نخست، تأکید می‌کند که در این کتاب فقط به شرح حال شیعیان دوازده امامی پرداخته و غیر از آن را ذکر نکرده است، مگر در موردی نادر یا در صورت مجهول بودن شخص. و در واقع همین امر، عامل انگیزه وی برای تألیف این اثر توسط ایشان بوده است. در مقدمه دوم کتاب، به معنای لفظی و اصطلاحی شیعه پرداخته و درباره امامیه و رافضه و دیگر الفاظ، سخن گفته است. در ادامه مقدمات، خلاصه‌ای از عقیده شیعه امامیه جعفریه اثنا عشریه را بیان می‌کند. با این حال، مطالعه این کتاب نشان می‌دهد که وی در موارد زیادی پا را فراتر گذاشته و نه تنها از شیعیان غیر امامی سخن گفته، بلکه گاه به تفصیل شرح حال دشمنان شیعه را بیان و آنان را شیعه قلمداد کرده است!

در بخش معنای شیعه و تشیع نویسنده چنین آورده که بی‌تردید معنایی که امروزه از واژه مطلق شیعه اراده می‌شود در سده‌های نخستین از این واژه فهمیده نمی‌شده و از طرفی تعبیرهایی چون امامی یا اثنا عشری به کار نرفته است. برخی محققان معاصر از عنوان‌هایی چون شیعه اعتقادی، شیعه محب و شیعه عراقی سخن می‌گویند.

شیعه اعتقادی همان است که با عنوان امامی و دوازده امامی از آن یاد شد؛ یعنی کسانی که در کلام و فقه از امامان معصوم (علیهم السلام) پیروی کرده و فقط سخن آن‌ها را حجت می‌دانند و در همه امور، تنها از آنان پیروی می‌کنند.

شیعه محب نیز کسی است که اهل بیت (علیهم السلام) را دوست دارد، ولی آنان را امام نمی‌داند، بلکه از لحاظ سیاسی، خلفا را پذیرفته و از آنان تبعیت می‌کند. این گروه اکثریت اهل سنت امروز را تشکیل می‌دهند. شافعی که خود صاحب یکی از مکاتب فقهی اهل سنت است از این دسته به‌شمار می‌رود.

اما تعبیر شیعه عراقی برای افرادی است که گرایش شیعی بیشتری دارند و فضایل امیرمؤمنان علی (ع) را نقل می‌کنند و آن حضرت را بر عثمان تفضیل می‌دهند و در عین حال به خلافت شیخین معتقدند. تفاوت این گروه با قبلی آن است که با خلفای اموی و عباسی مخالف‌اند.

بنابراین، بحث در اینجا بحث از دولتمردان شیعه، منحصر به شیعیانی است که امامت امیرالمؤمنین (ع) و فرزندان ایشان را پذیرفته و در عصر حضور ائمه به امام زمان خود معتقد بودند و پس از غیبت، دوازده امام را پذیرا شدند. از این گروه به صورت مطلق، امامی مذهب تعبیر می‌شود.

در بخش نشانه‌های تشیع، گفته شده که برای چگونگی شناخت افراد امامی مذهب در کتاب‌های قدیم و جدید باید به نشانه‌های تشیع توجه داشت و برای دست‌یافتن به این نشانه‌ها می‌توان به دو مقوله واژه‌ها (تشیع، رافضی‌گلو) و قراین و شواهد مراجعه کرد.

در بخش همکاری با سلطان در تاریخ شیعه بحث از دولتمردان شیعه با موضوع «همکاری با سلطان» که از عناوین فقهی و حدیثی

است، مطرح شده است. و طرح آن بدان دلیل است که روشن شود شیعه در طول تاریخ اسلام با چه رویکردی به دستگاه خلافت راه یافته است؟ آیا اساساً به چنین موضوعی از نظر فقهی و کلامی معتقد بوده است؟ فتواها و دیدگاه‌های عالمان هر دوره و پیش از آن، دیدگاه معصومان (ع) در عصر حضور درباره ورود شیعیان به دستگاه خلافت چه بوده است؟ آیا به طور کلی آنان مجاز به حضور در دربار بوده‌اند؟

نتایج یا جواب این مبحث، در سه قسمت روایات، تطور آرا و سیره و رفتار شیعیان در ادوار مختلف پی گرفته شده است.

دولت عباسیان بر اساس تقسیم‌بندی رایج به چهار دوره تقسیم می‌شود: دوره نخست، از آغاز تا عهد متوکل، دوره دوم، تا تسلط آل‌بویه، دوره سوم، تا تسلط سلجوقیان و دوره چهارم، تا سقوط بغداد. در فصل دوم این نوشتار به معرفی و نقد دیدگاه‌ها درباره دولتمردان شیعه در دوره نخست عباسیان پرداخته شده است. نمونه‌ای از این دولتمردان عبارتند از:

ابوسلمه خَلال (۱۳۲ق)، عبدالله نجاشی، عقبه بن سلم (۱۶۷ق)، ربیع بن یونس (۱۶۹ق)، واضح- جد یعقوبی (م حدود ۱۷۰ق)، علی بن یقطین (۱۸۲ق)، یعقوب بن داود سلمی (۱۸۶ق)، فضل بن سهل و برادرش حسن، پسران بزیع، احمد بن یوسف عجلی (۲۱۳ق)، حسین بن عبدالله نیشابوری (زنده در ۲۱۸ق).

در فصل سوم به معرفی و بررسی نقش و دیدگاه‌های دولتمردان عصر دوم و سوم عباسی از جمله دولتمردان این دو عصر به شرح زیر است:

دعبل خزاعی (۲۴۵ق)، زرافه حاجب متوکل (۲۵۲ق)، جعفر بن محمود اسکافی (۲۶۸ق)، احمد بن حسن ماذرائی (زنده در ۲۷۶ق)، ابن ثوابه، فرزندان ابی بغل، جعفر بن ورقاء (۳۵۲ق)، اسحاق بن سعد بن مسعود قطربلی، حسن بن محمد مَهَلَبی (۳۵۲ق)، مقلد بن مسیب (۳۹۱ق)، خاندان تنوخی، ابوالقاسم مغربی (۴۱۸ق) و احمد بن یوسف.

فصل چهارم نیز تحت عنوان «دولتمردان شیعه در عصر آخر عباسی» بیان شده است. در واقع در این فصل عصر آخر عباسی به دو دوره «دوره سلجوقی» و «دوره ناصر تا سقوط بغداد» تقسیم شده است. و نام دولتمردان هر دوره و نقش و دیدگاه‌های هر یک بررسی شده است. اسامی دولتمردان هر دوره عبارتند از:

دوران سلجوقی: ابونصر عمیدالملک گُندری (۴۵۶ق)، امین‌الدوله ابوطالب (۴۶۴ق)، ابن حتیتی (م بعد ۴۷۹ق)، تاج‌الملک ابوالغنائم (۴۸۶ق)، سعدالملک آبی (۵۰۰ق)، مجدالملک براوستانی، ابن المطلب (۵۰۹ق)، مؤیدالدین طغرای (۵۱۴ق)، عبدالمجید ابن عبدون (۵۲۷ق)، انوشیروان بن خالد (۵۳۲ق)، مختص الملوک (۵۳۱ق) و ابونصر کاشانی.

دوره ناصر تا سقوط بغداد: مجیرالدین و قطب‌الدین سنجر، سنقر ترکی، ابن دوّاس حلی (۷۰۷ق)، ناصر بن مهدی علوی

(م۱۷ق)، مؤیدالدین قمی (م۳۰ق)، قشتمر ترکی (م۳۷ق) و خاندانش، احمد بن محمد بن ناقد (م۴۲ق)، ابن صلیا (م۵۶ق) و ابن علقمی (م۵۶ق).

نویسنده در فصل پنجم کتاب به معرفی و نقد خاندان‌ها پرداخته است. که عبارتند از دو خاندان:

۱/ خاندان‌های دولتی: اسامی این خاندان‌ها به این شرح است: خاندان ابن اشعث خزاعی (قرن دوم هجری)، آل نوبخت (قرن دوم و سوم هجری)، خاندان ابودلف (قرن سوم هجری)، آل فرات (قرن سوم و چهارم هجری)، خاندان بریدی (۳۳۸-۳۱۶ق)، بنوشاهین (قرن ۴)، آل جستان (۳۹۶-۱۷۵م)، بنی حسنویه (حدود ۴۰۶-۳۴۸ق)، خاندان کاکویه (قرن ۵)، بنو مزید (۵۴۵-۴۰۳ق)، بنو منقذ (۵۵۲-۴۷۴ق).

۲/ نقیبان: نقابت از مسؤولیت‌های دوران عباسیان بود که بزرگانی از سادات و شیعیان آن را برعهده داشتند. نقیب به معنای نماینده و در مواردی سرپرست یا واسطه بین دو شخص است. اما آنچه مورد نظر ماست نقابت به عنوان یک سمت رسمی است که با حکم خلیفه منصوب می‌شد و وظایف مشخصی را برعهده داشت و در واقع، سرپرست سادات هاشمی و روابط آنان با حکومت بود. کسی که به عنوان نقیب گمارده می‌شد، در مجالس مهم خلیفه حضور داشت و در امور سیاسی و گاه نظامی و قضایی دخالت می‌کرد.

در اینجا به تعدادی از این نقبا که شهرت خاندانی داشته‌اند، اشاره می‌شود:

خاندان ابواحمد موسوی (م۴۰۰ق)، آل زباره (قرن چهارم هجری)، بنو طاهر (قرن پنجم و ششم هجری)، آل مطهر (قرن ششم هجری)، آل طاووس (قرن هفتم هجری).

بخش انتهایی کتاب، بخش خاتمه است که تحت عنوان «انگیزه‌ها و آثار» به بررسی موارد زیر می‌پردازد:

الف) انگیزه ورود شیعیان امامی به دربار

ب) انگیزه خلفا از به کارگیری شیعیان

ج) روابط دولتمردان با ائمه و علما

د) آثار و پیامدها

ه) اوضاع شیعه در دوران ریاست شیعیان

آدرس مطلب :

<https://www.cafetari.kh.com/news/20636/عباسيان-خلاف-دستگاه-شيعيان-سياسي-حیات>